

حقوق اثبات حجر

مطالعه موردی شماره ۲

دکتر مجید پوراباد

وکیل دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

حمیدرضا شاهجراغی

وکیل دادگستری

سحر الله خانی

وکیل دادگستری

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شماره افزوده

شماره افزوده

رده بندی کنگ

رده بندی دی بی

شماره کتابخانه ملی

: پوراستاد، حمید، ۱۳۵۰ -

: حقوق اثبات حجر: مطالعه موردی شماره ۲ / مجید پوراستاد،

حمیدرضا شاهچراغی، سحر لاله خانی.

: تهران: خرسندی، ۱۳۹۵

: ۱۵۸ ص.

: 978-600-114-631-2

: فیبا

: اهلیت و حجر -- ایران

: Capacity and Disability -- Iran

: ادله اثبات دعوی -- ایران

: Evidence, Demonstrative -- Iran

: شاهچراغی، حمیدرضا، ۱۳۶۲ -

: لاله خانی، سحر، ۱۳۶۶ -

: ۱۳۹۵ ح ۷ پ ۹ / ۵۱۱ KMH

: ۳۴۶ / ۵۵:

: ۴۳۴۸۰۴۳:



انتشارات خرسندی

خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان لبافی نژاد، نرسیده به

خیابان دانشگاه، پلاک ۷۴، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۷۱۰۳۴-۵ و ۶۶۹۷۱۰۳۴-۵

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۱۲، تلفن: ۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خیابان انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی) تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandypub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

حقوق اثبات حجر

مطالعه موردی شماره ۲

دکتر مجید پوراستاد - حمیدرضا شاهچراغی - سحر لاله خانی

چاپ اول: ۱۳۹۵ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-631-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۶۳۱-۲

فهرست مطالب

درآمد	۹
جریان پرونده‌ها	۱۵
۱. دادخواست آقای محمد حسن ج. نورالله ع. به طرفیت علی ش. در تاریخ ۸۳/۹/۲	۱۵
۲. لایحه آقای محمد تقی ش. در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱	۱۷
۳. دادخواست آقای محمد حسن ع. طرفیت محمد تقی ش. به خواسته خلع ید	۱۹
۴. دادخواست مجید پوراستاد در شورای حل اختلاف حوزه ۳۵۲ تهران	۲۰
۵. لایحه مجید پوراستاد ارائه شده در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۳	۲۲
۶. دادنامه شماره ۱۷-۱۳۸۴/۱/۱۶ صادره از حوزه ۱ شورای حل اختلاف	۲۶
۷. لایحه شماره ۲۹۹ تاریخ ۸۴/۳/۱۶ وکلای آقای محمد تقی ش. خطاب به حوزه ۳۵۲ شورای حل اختلاف تهران	۲۸
۸. دادنامه شماره ۷۳۸ صادره توسط شعبه ۳۵۲ شورای حل اختلاف دگستری تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۱	۳۱
۹. دادخواست تجدیدنظر و لایحه شماره ۲۵۶۲ مجید پوراستاد در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۸	۳۲
۱۰. دادنامه شماره ۱۰۶۱ صادره در مورخ ۱۳۸۴/۸/۳۰ شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی شهید باهنر	۳۶
۱۱. لایحه شماره ۱۰۴۲ تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۹ مجید پوراستاد و سرین بهزاد رنا وکلای آقای محمد تقی ش.	۳۷
۱۲. درخواست اعلام حجر به واسطه سفاهت توسط بانو فاطمه ش. (دختر علی ش.) ۳۹۱۳۸۴/۳/۱۰	۳۹
۱۳. نامه اداره امور سرپرستی دادسرای عمومی تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ به شماره ۴۰	۴۰
۱۴. نامه شماره ۲۰/۳۳/۲/۲۴۵۹ خطاب به پزشکی قانونی	۴۰
۱۵. نامه شماره ۱/۳۱/۲۲۰۰۰ پزشکی قانونی خطاب به اداره امور سرپرستی دادسرای عمومی تهران	۴۱
۱۶. جوابیه پزشکی قانونی در تاریخ ۸۴/۵/۲۵ به شماره ۱/۳۱/۲۴۹۹۹	۴۱
۱۷. دادنامه شماره ۷۱۱ صادره در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۶ توسط شعبه ۴۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران	۴۲

۱۷. قیم نامه شماره ۸۴/۱۷/۴۴ صادره در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱۵ توسط شعبه ۱۷ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب ۴۳
۱۸. دادخواست محمد ش. به عنوان قیم علی ش. و اعتراض ثالث به حکم صادره توسط شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی تهران ۴۴
۱۹. لایحه شماره ۳۳۵۵ تنظیم شده در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۴ خطاب به شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی تهران ۴۷
۲۰. دادنامه شماره ۱۱۰۷ صادره در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ توسط شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی ۴۸
۲۱. لایحه تنظیم شده در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۲۶ توسط وکیل معترض ثالث ۴۹
۲۲. دادنامه صادره به شماره ۸۷۷ تاریخ ۸۵/۷/۲۹ توسط شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی شهید باهنر ۵۰
۲۳. درخواست شعبه ۸۵ از سازمان ثبت اسناد برای ابطال اسناد ۵۳
۲۴. نامه شماره ۱۳۸۵/۲/۲۵ صادره در تاریخ ۸۷/۴/۹ توسط اداره کل امور اسناد و املاک کشور ۵۴
۲۵. نامه شماره ۱۱۱/۱۱/۱ صادره در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۰ توسط اداره کل ثبت اسناد و املاک تهران ۵۵
۲۶. نامه شماره ۱۲۴۳ صادره در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۲ توسط دفترخانه شعبه ۲۷۰ تهران ۵۶
۲۷. نامه شماره ۱۶۷۹/۸۵/۸۴ صادره در تاریخ ۸۶/۴/۱۹ خطاب به سردفتر اسناد رسمی شماره ۲۳۹ تهران ۵۷
۲۸. دادخواست اعتراض ثالث آقای محمدحسین ج. خطاب به شعبه ۴۵ دادگاه عمومی و حقوقی ۵۸
۲۹. نامه شماره ۱۳۸۵/۱۳/۱۳ صادره در تاریخ ۱/۱۳/۳۵۰ اداره کل پزشکی قانونی استان تهران خطاب به ریاست محترم شعبه ۴۵ دادگاه عمومی تهران ۵۹
۳۰. نامه شماره ۱۴/۸۵/۱۳۳/۲۰ صادره در تاریخ ۱۱/۸/۱۱/۲ توسط اداره کل پزشکی قانونی استان تهران ۶۰
۳۰. اختاریه مدیر دفتر شعبه ۴۵ دادگاه عمومی و حقوقی ۶۱
۳۱. لایحه آقای حمیدرضا شاهچراغی وکیل علی ش. خطاب به پزشکی قانونی ۶۲
۳۲. نظریه شماره ۱۴/۸۵/۱۳۳/۲۰ سازمان پزشکی قانونی کشور در موضوع پرونده ۱۴/۸۵/۱۳۳/۲۰ ۶۳
۳۳. نامه شماره ۱۴/۸۵/۳۱۱/۲۰ صادره در تاریخ ۸۵/۱۲/۲۰ توسط مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران ۶۳
۳۴. دادنامه شماره ۲۰۵ صادره در تاریخ ۸۶/۲/۱۵ موضوع پرونده کلاسه ۱۶۲۸/۴۵/۸۴ ۶۴
۳۵. دادخواست انحصار وراثت وکیل محمدتقی ش. در مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ ۶۵
۳۶. گواهی حصر وراثت آقای علی ش. صادره در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۹ ۶۷
۳۷. نامه شماره ۱۶۲۸/۴۵/۸۴ صادره توسط شعبه ۴۵ دادگاه عمومی و حقوقی خطاب به مجتمع قضایی باهنر ۶۸
۳۸. دفاعیات وکیل وراثت علی ش. در جلسه تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۰ ساعت ۹:۳۰ صبح ۶۹

۳۹. لایحه تکمیلی حمیدرضا شاهچراغی وکیل وراث مرحوم علی ش. خطاب به شعبه ۴۵ دادگاه عمومی حقوقی.....	۷۱
۴۰. دادنامه شماره ۱۸۶۰-۱۳۸۶/۹/۲۹ شعبه ۴۵ دادگاه عمومی و حقوقی.....	۷۳
۴۱. دادخواست تجدیدنظر وکلای محمدحسن ج.....	۷۴
۴۲. دادنامه شماره ۱۸۲-۱۳۸۷/۲/۱۷ شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران موضوع کلاسه پرونده ۱۸۷/۴۹/۸۷.....	۷۸
۴۳. لایحه وکیل آقای محمدحسن ج. خطاب به شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی.....	۸۰
۴۴. لایحه آقای حمیدرضا شاهچراغی به عنوان وکیل وخواندگان (وراث محجور) خطاب به شعبه ۸۵ دادگاه عمومی تهران.....	۸۲
۴۵. دادنامه شماره ۷۰۷ صادره در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱ توسط شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی تهران.....	۸۶
۴۶. دادخواست تجدیدنظر خواهی وکیل ورثه علی ش. خطاب به دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۸۷
۴۷. تصمیم صادره در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱ توسط شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۹۵
۴۸. تصمیم شعبه ۸۵ دادگاه عمومی و حقوقی پس از ارجاع شعبه ۴۴ تجدیدنظر استان تهران.....	۹۶
۴۹. دادخواست فرجام خواهی مجید پوراستاد در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۹.....	۹۷
۵۰. لایحه شماره ۱۱۰/۸۰۶۴ صادره در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۹ توسط شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.....	۹۸
۵۱. دادنامه شماره ۱۹/۳۶۰ صادره در تاریخ ۸۷/۱/۱۲ توسط شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.....	۱۰۶
۵۲. نامه شماره ۳۵۳/۲۹/۸۸ صادره در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۲ توسط شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۱۸
۵۳. لایحه شماره ۴۶۱ ثبت شده در تاریخ ۸۷/۴/۱۰ توسط دکتر مجید پوراستاد.....	۱۱۹
۵۴. نامه رئیس شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۲۰
۵۵. دادنامه شماره ۸۴۶ موضوع کلاسه پرونده ۵۳/۲۹/۸۸ صادره در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ توسط شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۲۱
۵۶. دادخواست شماره ۹۳۷ تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۰ مجید پوراستاد خطاب به دیوان عالی کشور.....	۱۲۳
۵۷. لایحه مجید پوراستاد خطاب به دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۳.....	۱۳۶
۵۸. لایحه تنظیم شده در مورخ ۱۳۸۰/۹/۵ خطاب به شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.....	۱۳۷
۵۹. دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۲۲۹۷ صادره در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۶ توسط شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.....	۱۳۸
۶۱. لایحه شماره ۴۴ ثبت شده در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ در شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۵۲
۶۲. لایحه دکتر مجید پوراستاد خطاب به شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۵۴
۶۳. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۹۷۰۰۶۳۸ تنظیم شده در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۹ توسط شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.....	۱۵۶

درآمد

بعد از پیل، بسی امیدهاست از پس ظلمت، دو صد خورشیدهاست

مولانا

تاریخ و سنت گواهی می‌دهد که از دیرباز، به ملاحظات گوناگون، فرهنگ شفاهی در این مرز و بوم رواج داشته است. کمتر مشتاق هستیم که افکار و اندیشه‌های خود را بنویسیم بلکه بیشتر ترجیح می‌دهیم آن را زبانی و از سینه‌ای به سینه دیگر نقل کنیم. دلایل مختلفی در پس این رفتار تاریخی ما می‌مان وجود دارد. خودکامگی از ابتدای تاریخ در این کشور، مگر در برخی ادوار کوتاه، دانشوران را به «خودداری و توداری» سوق داده است شاید با گفتاری خود را گرفتار غم نباشد تا کمان کنند. به همین دلیل گفتار و اندیشه خود را یا نمی‌نوشتند و یا اگر هم می‌نوشتند همراه با نه‌عی ایهام، ابهام و کنایه بود. عادت مألوف ما آن است که فقط برای سردرد آتی، دست‌زده کنیم و دردهای آتی را که پنهان هستند واگذاریم تا شاید از ستونی به ستون دیگر کشایی حادث شود. غافل از آنکه این درد کهنه ممکن است دیگر با هیچ دارویی التیام نیابد چنین رفتاری که برگرفته از همان سنت و تاریخ و فرهنگ دیرینه است، هنوز کم و بیش در میان مردم و حتی صاحبان اندیشه جاری است. یکی از نتایج چنین ناهنجاری فرهنگی، رواج شایعه و «پیچ‌پیچ» و همچنین تحریف واقعیت و نبود فضای نقد در جامعه و عدم انتقال تجربیات یک نسل به نسل دیگر و در نهایت تکرار اشتباهات گذشته و بر باد دادن سرمایه‌های ملی و اندوخته‌های تجربی است.

در تاریخ دادگستری کشورمان رویدادهای قضایی نیز کمتر به نگارش درآمده و نگهداری شده است. آنچه اغلب انجام شده است فقط در حد انعکاس اخبار بوده است نه استدلال‌های حقوقی مطرح در آن که مبنای صدور رأی قرار گرفته‌اند. تبلی و بی‌حوصلگی و همچنین نگرانی از آشکار شدن ضعف و ناکارآمدی نظام قضایی، جملگی از دلایل چاپ نشدن دادرسی‌های قضایی در نظام حقوقی کشورمان بوده است. آنچه از دیرباز انجام شده، فقط فشرده و خلاصه‌ای از رأی بوده است که نمی‌تواند گویای همه جوانب و روایات پرونده باشد. در حال حاضر اگرچه احکام دادگاه به طور کامل منتشر می‌شوند و به مراتب وضعیت از سال‌های پیشین بهتر است اما به نظر نگارنده هنوز هم واقعی به مقصود نیست. حقوق‌دانان و دانشجویان و خوانندگان چون از پیشینه پرونده بی‌خبر هستند و استدلال‌های معارض رفیق را نمی‌دانند، کمتر می‌توانند به مبانی استدلال رأی پی ببرند و آن را مورد نقد و بررسی قرار دهند. در نهایت از آن توشه‌ای برای احکام آتی بسازند.

به گمان من، برادر من، اولین حقوق‌دانی بود که در زمینه حقوق مطبوعات کوشش کرد که پرونده‌های محاکمات مطبوعاتی را از آغاز دادرسی تا پایان دادرسی و صدور حکم، به همراه لوایح و کلا یا حتی مستندات شکایت، (برای نمونه، کاریکاتورها و عین مقاله مبنای اعلام جرم) را در قالب کتاب به جامعه حقوقی،^۱ مطبوعات عرضه کند. اگر نگوییم این کار بزرگ بی‌سابقه بود، باید گفت حداقل کم‌بقیه بود. این پرونده‌ها می‌توانستند پس از مدتی معطلی در بایگانی را کد دادگستری نباشد به بوته فراموشی سپرده شوند. اما اکنون با چاپ کامل جریان دادرسی این روزنامه‌ها ادوات حقوقی کشورمان در زمینه حقوق مطبوعات غنی‌تر شده است و با نقد و بررسی آن می‌توان چشم‌انداز خوبی را برای قانون‌گذاری و رویه عملی در دادگاه‌ها در این زمینه ترسیم کرد. این سبک می‌تواند در زمینه‌های حقوقی دیگر نیز تأثیرگذار باشد.

۱. مجموعه اسناد حقوقی مطبوعات ایران که توسط نشر زرنگار در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ در تهران منتشر شدند: محاکمه قانون (جریان محاکمه جلال‌الدین فارسی)، محاکمه سلام، محاکمه جامعه، محاکمه ایران فردا، محاکمه توس، محاکمه آوا، محاکمه آدینه و همچنین محاکمه نوروز (سه جلدی) که توسط «وحید پوراستاد» تهیه و تدوین شدند.

مجموعه کتاب‌هایی که به تازگی براساس پرونده‌های واقعی در حرفه وکالت با همکاری برخی دانشجویان سابق و وکلای فعلی تدوین شده است، از سبک و سیاق کتاب‌های بالا پیروی کرده است. اولین کتاب از این مجموعه مطالعات موردی با عنوان «حقوق اثبات نسب»^۱ با اهتمام همکار ارجمند خانم سحر لکه‌خانی در شهریور سال ۱۳۹۳ گردآوری، چاپ و عرضه و در نهایت با اقبال چشمگیر حقوقدانان نیز مواجه شد. با این استقبال غیرقابل انتظار، نگارنده تشویق شد تا پرونده مطول و مفصل دیگری را از بایگانی دفتر خود برگزینی کند که برای آن نام «حقوق اثبات حجر» برگزیده شد. حکایت جوانی که در ازام اخذ وام توسط دوست خود، منزل پدری خود را در وثیقه و رهن شخصی دیگر قرار می‌دهد و سپس اقدام وکلا برای اثبات حجر پدر و در نتیجه ابطال معاملات وی که خود سرآغاز رسیدن رهن طولانی در دادگستری می‌شود. کتابی که در دست خوانندگان دانشور است، آخرین کتاب از مجموعه کتاب‌هایی است که موضوع آنها پرونده‌های داغ و طولانی و یا به تعبیر دیگری آن «High-Profile Case» است که اینجانب در طول عمر کوتاه حرفه‌ای خود وکالت آن را ر عهده داشته و هم‌اکنون قصد داریم به تدریج با حفظ حریم خصوصی اطراف دعوی محتویات پرونده را که شامل لوایح وکلای طرفین و آرای دادگاه‌ها و دیوان عالی است، به دست چاپ سپاریم تا همکاران علمی و حرفه‌ای اعم از استادان، قضات و وکلا و حتی دانشجویان این تجربات را مطالعه، بررسی و در نهایت مورد نقد و انتقاد قرار بدهند به‌طوری که اندوخته‌های ناشی از این نقادی، چراغ راه آیندگان باشد و نظام قضایی کشورمان را کارآمدتر کند.

موضوع پرونده از این قرار است که شخصی با نام (محمدتقی ش.) که موکل اینجانب در این پرونده است، وکالتاً منزل پدری خود با نام (علی ش.) را به درخواست دوست خود با نام (منصور م.) در رهن شخص وام‌دهنده با نام (محمدحسن ج.) قرار می‌دهد. هنگامی که منصور م. از بازپرداخت قرض خود امتناع می‌کند، محمدحسن ج. اقدام به طرح دعوی خلع ید علیه علی ش. می‌کند. سپس، فرزندان (علی ش.) با این ادعا که پدرشان از سال‌های

۱. دکتر مجید پوراستاد و سحر لکه‌خانی، «حقوق اثبات نسب»، انتشارات کانون نشر علوم، چاپ اول، ۱۳۹۳.

قبل محجور بوده است، درخواستی به خواسته اعلام حجر (علی ش.) در اداره سرپرستی امور صغار و محجورین به عنوان دادستان عمومی مطرح می کنند و پس از ارجاع امر به پزشکی قانونی، شعبه ۴۵ دادگاه عمومی حکم به حجر (علی ش.) صادر می کند.^۱ با اعتراض آقای (محمد حسن ج.) به عنوان ثالث نسبت به حکم حجر، شعبه ۴۵ دادگاه عمومی، برای بررسی های بیشتر موضوع حجر وی را به کمیسیون پزشکی قانونی ارجاع می دهد تا پس معاینه او، نتیجه آزمایش های خود را به دادگاه اعلام کند. اتفاقی که به طور ناگهانی رخ می دهد این است که قبل از تشکیل کمیسیون پزشکی قانونی، (علی ش.) به رحمت خان می رود و چالش در خصوص حجر وی و به ویژه تاریخ حجر آن مرحوم، بین دادگاه های تجدیدنظر، دیوان عالی کشور نقطه آغاز یک سلسله اختلافات قضایی می شود. جریان این پرونده در سال ۱۳۸۳ شروع و در سال ۱۳۹۳ به پایان رسید.

کشاکش شعبه های ۴۹ و ۲۹ دادگاه های تجدیدنظر استان تهران با شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور بر سر حجر و به ویژه تاریخ فوت حجر گسترش پیدا می کند. در آخرین بار پرونده با صدور رأی شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران و با اصرار بر استدلال شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دوباره به شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور ارجاع می شود. تاریخ ورود پرونده به شعبه ۱۹ دیوان عالی عبارت است از (۱۳۸۸/۸/۱۰) و تاریخ صدور رأی و خروج پرونده از دیوان عبارت است از (۱۳۹۲/۸/۶) به عبارت دقیق تر، پرونده نزدیک به ۴ سال در شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور بدون اقدام به استماع (نگاه کنید به صفحه ۹۵ به بعد کتاب). اینجانب هر دو هفته یک بار به شعبه ۱۹ دیوان عالی مراجعه می کردم تا در اتخاذ تصمیم تسریع شود و اعضای محترم شعبه هر بار این نوید را می دادند که به زودی اتخاذ تصمیم خواهد شد. تصور اولیه آن بود که این بار شعبه ۱۹ دیوان عالی باید رأی را اصراری تلقی کند و پرونده را برای صدور رأی اصراری به هیئت عمومی دیوان عالی کشور ارسال کند. بالاخره، در سال سوم جریان پرونده در شعبه، مستشار محترم

۱. خواهان دادنامه (شعبه ۱۷ اداره سرپرستی و امور محجورین دادسرای تهران) و خوانده دادنامه (علی ش.) است.

شعبه ۱۹ دیوان عالی گزارش خود را به رویت اینجانب رسانید که اظهار داشتند که ضمن تلقی رأی شعبه ۲۹ تجدیدنظر استان تهران به عنوان رأی اصراری قصد دارند پرونده را به هیئت عمومی دیوان عالی کشور ارسال کنند اما هیئت عمومی دیوان توصیه کرده است که گزارش پرونده باید کوتاه‌تر باشد. اما هنوز مدتی نگذشته بود که رأی شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر نقض و رسیدگی به شعبه هم‌عرض دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع شد.

متأسفانه اشکالات متعددی بر سیستم قضایی کشور از حیث نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قانون در دادگاه‌های تالی وارد است. نخست، محدودیت نظارت دیوان عالی کشور بر اکثریت احکام صادره از دادگاه‌های تالی است. با وجود اینکه اصل ۱۶۹ قانون اساسی نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قانون در دادگاه‌های تالی از طریق فرجام‌خواهی را به عنوان یکی از اصول شناخته است، متأسفانه در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ قاعده‌ای برای فرجام بودن آراء اعلام کرده است مگر آنکه در قانون خلاف آن تصریح شود؛ درم، برقراری نظام دوگانه تقاضای فرجام‌خواهی است که براساس قانون آیین دادرسی مدنی دو شعبه فرجام‌خواهی وجود دارد: فرجام مستقیم یا بی‌واسطه (ماده ۳۶۷ آ.د.م.) و فرجام غیرمستقیم یا با واسطه (۳۶۸ آ.د.م.)؛ سوم، تبعیض بین برخی قرارهای قابل فرجام است و معلوم نیست چرا مانند نگذار قرار رد دعوا و عدم استماع دعوا را در شمار قرارهای قابل فرجام ذکر نکرده است.

اما سخن آخر مظلومیت و کیل در این مرز و بوم است: وکیل دادگستری از هر طرف مورد هجوم و حمله است؛ طرف دعوا که نامش خصم است و وضعیس معلوم، قاضی را نیز چنین آموخته‌اند که وکیل به قصد فریب تو آمده نه همیاری تو و بالاخره موکل نیز هنگامی که از گرفتاری بیرون آمد دیگری کاری با تو ندارد تا بخواهد تنه دستمزد وکیل را بپردازد! وکیل دادگستری مظلوم است و او که کار دفاع از مظلومان را برعهده دارد در دفاع از خویشتن قاصر و دست بسته! در پایان لازم می‌دانم از آقای حمیدرضا شاهچراغی، دانشجوی سابق اینجانب در دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و همچنین همکار خوب و بااخلاق که اینجانب را در اداره این پرونده طولانی همیاری

کردند، کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم. کلیه لوایح و دادخواست‌های تقدیمی به مراجع قضایی در این پرونده با همفکری و مشورت اینجانب و ایشان تنظیم و نوشته شده است. همچنین، شایسته است از همکار خوب خانم نسرین بهزادوفا که در مقطعی از زمان دوشادوش اینجانب کار دفاع این پرونده را برعهده داشتند، مراتب قدردانی خود را اعلام کنم. همچنین، ضروری است از سرکار خانم سحر لک‌خانی، دانشجوی سابق و همکار لاحق که با پشتکار همیشگی و دقت درخور ستایش و صرف وقت فراوان، مطالب و اوراق مفصل پرونده را تایپ، تنظیم و ویرایش کردند، نهایت سپاسگزاری را داشته باشم. همچنین شایسته است از انتشارات وزین خرسندی به ویژه جناب آقای هادی طالع خرسند قدردانی ویژه داشته باشم و امیدوارم چاپ این اثر بستری را برای همکاری‌های بیشتر در آینده فراهم کند.

دکتر مجید پوراستاد

تابستان ۱۳۹۵